

# زبان‌شناسی همگانی

نگرشی بر

مفاهیم بنیادین و کاربردها

نگارش و تدوین

محمد آذروش

عضو هیئت مدرسین دانشگاه جامع علمی کاربردی

مدرس طرح آموزش ضمن خدمت دبیران آموزش و پرورش

## پیشگفتار

کتاب حاضر در زمینه معرفی و تشریح مفاهیم رایج در حوزه زبانشناسی همراه با تجزیه و تحلیل توجیهی فرایندهای گوناگون منتج به ساخت جمله و همچنین جنبه های متنوع زبان با رویکرد زبانشناختی نگارش شده است.

## مفاهيم و تعاريف

زبان : پديده اي ذهني است شامل مجموعه اي از دانش مربوط به آواها- نحو و معاني که در ذهن وجود دارند

۱- Language : A mental phenomenon that includes a series of knowledge about the phonemes , morphemes , syntax and meanings which exist in one's mind .

گفتار : کنشي محسوس و فیزیکی است که تولید کلمات معینی که به شکل های معین مرتب شده و از طریق آواهای معین بیان می شوند را در بر می گیرد

۲- Speech : A concrete physical action including the production of specific words which have been created through the combination of particular phonemes to be expressed in a systematic manner.

توانش زبانی : عبارت است از دانش ناخودآگاه درباره آواها – معانی و نحو که گویشوران یک زبان دارا هستند .  
توانش زبانی دانشی است که در ذهن اشخاص وجود دارد و مستقیماً قابل مشاهده نیست. توانش زبانی پیکره ای محدود از قواعد زبانی را در بر می گیرد.

۳- Language competence : One's abstract phonological , morphological syntactic and semantic potentiality in relation to his/her mother tongue including a finite group of language rules .

کنش زبانی : عبارت است از رفتار زبانی واقعی و استفاده از زبان در زندگی روزمره برای برقراری ارتباط کلامی .  
کنش زبانی واقعی فیزیکی است که مستقیماً قابل مشاهده است . یکی از ویژگی های کنش زبانی در گویشوران زبان تشخیص جمله های دستوری از جمله های غیر دستوری ( جمله هایی که در ساخت خود از قواعد زبان پیروی نمی کنند)- تشخیص جمله های مبهم ( جمله هایی که بیش از یک معنی دارند ) و تشخیص جمله های هم معنی ( جمله هایی که با ساخت های متفاوت یک معنی دارند می باشد

۴- Language performance : The concrete physical language behavior performed to create a real language communication . It enables the distinction of grammatical from ungrammatical sentences along with the recognition of ambiguous and synonymous ones .

دستور زبان : عبارت است از توصیفی از قواعد برای وصل کردن کلمه ها به یکدیگر همراه با توجیهی از دانش گویشوران زبان در باره ی آواها و معانی و نحو . دستور زبان فرضیه ای است که آن دانش زیر بنایی (توانش زبانی) که به عنوان پایه ای برای کنش زبانی در ذهن وجود دارد را توصیف می کند

**۵- Grammar : A description of the various rules which connect the words together to make meaningful sentences . It is an abstract to describe the underlying knowledge which stands as the base of language performance .**

قواعد زبان : قواعدی هستند که زبان رامی سازند و به دو گروه تقسیم میشوند

**۶- Language rules :The rules that cause the language to form . They are classified in two categories:**

الف= قواعد سازنده : قواعدی هستند که برای وجود یک فعالیت یا پدیده ضروری هستند . این مقوله مورد توجه خاص دستور توصیفی قرار دارد

**A- Constructive rules : The rules which are vital for the existence of the language as a phenomenon.**

ب= قواعد تنظیم کننده : قواعدی هستند که فعالیت پدیده را تنظیم کرده و تحت کنترل قرار می دهند . این مقوله مورد توجه خاص دستور تجویزی است

**B- Regulative rules : The rules that regulate and control the performance of the language as a phenomenon .**

دستور توصیفی : دستوری است که دانش زیر بنایی کاربرد عملی زبان را توصیف کرده و قواعد سازنده ی زبان را تشریح می کند. این دستور تمامی جمله هایی که گویشوران بومی زبان قبول دارند را تولید می کند

**V- Descriptive grammar : A grammar to explain the constructive rules of a language along with the underlying knowledge which makes the actual use of a language practically possible**

دستور تجویزی : این دستور با در برگرفتن قواعد تنظیم کننده زبان تعیین می کند که زبان چه باید باشد

**Λ- Prescriptive grammar : The grammar which specifies how the language must be regarding to the regulative rules .**

جمله های دستوری : این جمله ها از قواعد ساخت جمله در زبان مورد نظری می کنند

**۹- Grammatical sentences : The sentences which follow the structural rules in their formation**

## نحو

نحو : عبارت است از مجموعه اصول یا قواعد سازنده که طبق آنها کلمه ها در یک زبان به صورت جمله آرایش می یابند

نحو دانشی ناخود آگاه است که شالوده ی توانایی های گویشور زبان برای تولید یا درک جمله ها به شمار می آید. یکی از وظایف نحو مرتبط ساختن معنا با صورت های عینی بیان از قبیل اصوات یا نمادهای نوشتاری است

**۱۰- Syntax : A group of constructive rules according to which the words are arranged to form a logical sentence . It is an unconscious knowledge which is considered as the base of the speakers' abilities to produce and understand sentences . Syntax is to link the apparent oral or written form of a sentence to its actual meaning .**

زیایی ( خلاقیت ) زبان : عبارت است از توانایی گویشور زبان در تولید و درک تعداد نامحدودی از جمله ها که قبلاً نه شنیده و نه تولید کرده است

**۱۱- Language productivity : The speaker's ability to produce and understand an infinite number of sentences which he/she has never heard or produced before.**

دستور زایشی : دستور زبانی توصیفی است که در آن اصول زبان به شکل صوری و صریح به عنوان قواعدی که جمله ها را تولید می کنند بیان شده اند

۱۲- Generative grammar : A grammar to describe the principles and the rules through which sentences are generated .

نقش هاي نحوي : کلمه هايي هستند همانند فاعل ومفعول که روابط موجود میان عناصر جمله را مشخص مي کنند و تغییر در این روابط معمولاً باعث تغییر در معنای جمله مي شود

۱۳- Syntactic functions : The words in a sentence which specify the relations among the elements of the sentence and any change in the position of which causes a change in the meaning of the sentence .

روساخت : عبارت است از نمایشی از واحدهای موجود در جمله همراه با اصول ترتیب کلمه ها و ساختاری که آن جمله را منعکس مي کند

۱۴- Surface structure : A representation of the elements existing in the sentence along with the order of the words and the structure which represents the sentence .

ژرف ساخت : انتزاعي ترین سطح از جمله است که در آن اصلي ترین عناصر تشکیل دهنده ي جمله همراه با ساخت اصلي واوليه ي جمله به شکل اصلي خود وجود دارد . نام هاي ديگر آن زیر ساخت و ساخت دور از دسترس است

۱۵- The most abstract level of a sentence in which the most major components of a sentence exist . The term is also known as " underlying structure " and " remote structure".

سازه : واحدهای منظم ترتیب یافته و نسبتاً کوچکی که ساختار یک جمله را شکل مي دهند

۱۵- Constituent : Relatively small orderly formed group of words which together make up the construction of a sentence .

ساختار : چینش منظم و سیستماتیکی از سازه ها که به ساخت یک جمله منتهی مي شود

۱۷- The orderly and systematic arrangement of the constituents which lead to the formation of a grammatical sentence .

قواعد ساخت سازه اي: اصولي هستند که طبق آنها سازه ها به شکل سیستماتیک درکنار هم قرار مي گیرند. این قواعد با نمایش ساخت سازه اي و ارائه ي انواع سازه هايي که ساختار از آنها تشکیل شده است توصيفي از ساخت جمله هايي را فراهم مي آورند که گویشوران آنها را تولید مي کنند

۱۸- Constituent structure rules : The rules regarding to which constituents are systematically put together in a grammatical sentence . Representing the constituent structure of the sentence along with the representation of the various constituents making up the sentence ,they introduce a description of the structure through which the sentences that the speakers speak have been constructed.

نمودار درختي : نمایشی از ساخت سازه اي جمله به شکل درخت که با نام هاي نمودار سازه اي و نمودارهاي جمله نما نیز شناخته مي شوند

۱۹- Tree diagram :A representation of the structural construction of sentences in the form of a tree, also termed as phrase structure maker and phrase marker

شاخه : خطي است که اگر به پایین امتداد پیدا کند به یکی از سازه ها مي رسد و اگر به بالا امتداد پیدا کند به ساختي مي رسد که ( همان سازه ) عضوي از آن است

۲۰- Branch : A line which if stretched downwards , ends to a constituent , and if upwards , it ends to the construction it belongs to .

گره : نقطه اي است که در آن دو یا چند شاخه به یکدیگر مي پیوندند . شاخه هايي که از گره به طرف پایین منشعب مي شوند نمایانگر سازه هاي ساخت بالا تر هستند

۲۱- Node : The point at which the branches of the tree diagram meet . The branches which stretch downwards from the node represent upper constituents

انواع سازه ها : یک جمله ( ساختار ) از یک گروه اسمي - ( یک فعل کمکي )- و یک گروه فعلی که هریک خود مي توانند به سازه هايي کوچکتر تجزیه شوند تشکیل مي شود

[ S ----- NP (Modal Aux) VP ]

۲۲- Types of constituents: A structure is made up of a " Noun Phrase " , ( a modal auxillary ) and a "Verb Phrase . Both the Noun Phrase ( NP ) and Verb Phrase ( VP ) may be analyzed to smaller constituents which make them up .

جمله وارہ ہا کہ از لحاظ دستوری مستقل بوده اما از نظر معنایی بہ یک جملہ اصلی وابستہ ہستند در اینجا بہ این شکل

نمایش دادہ خواہند شد S\*

Clauses which are grammatically independent while semantically dependent upon a major clause are represented as S\* .

الف- گروه اسمی : سازہ ای است کہ ہستہ ی اصلی و تفکیک ناپذیر آن اسم بوده و می تواند یک حرف تعریف و یک صفت را نیز در خود داشتہ باشد

[ NP ----- (Art ) (Adj) , N , ]

A- Noun Phrase : The constituent the unseperatable core of which is a noun . It may consist article ( art ) and an adjective ( adj ) as well .

N\* گروه های اسمی کہ خود در برگیرندہ یک سازہ دیگر باشند در اینجا بہ این شکل

نمایش دادہ خواہند شد

Noun phrases containing other constituents are here represented as N\* .

ب- گروه حرف اضافہ ای : سازہ ای است کہ از یک حرف اضافہ ( بہ عنوان ہستہ اصلی ) و یک گروه اسمی ہمراہ آن تشکیل می شود

[ PP ----- P NP ]

B- Prepositional Phrase: The constituent made up of a Preposition at the very beginning and a Noun Phrase accompanying .

P\* گروه های حرف اضافہ ای کہ خود در برگیرندہ سازہ ای دیگر باشند در اینجا بہ این شکل

نمایش دادہ خواہند شد

Prepositional phrases containing other constituents are here represented as P\*



ج- گروه فعلی : سازه ای است که هسته ی اصلی و تفکیک ناپذیر آن فعل بوده و می تواند یک گروه اسمی و یک گروه حرف اضافه ای را نیز در خود داشته باشد

[ VP ----- V (NP) (PP) ]

**C- Verb Phrase : The constituent the unseperatable core of which is a verb . It may consist a Noun Phrase ( NP ) and a Prepositional Phrase (PP) as well.**

نقش های نحوی : واحد هایی هستند که روابط بین مقولات سازه ای یک جمله را مشخص می کنند - مانند فاعل و مفعول مستقیم

**۲۳- Syntactic functions : The functions such as the subject , dirct object , etc. which specify the relationship of various components of the sentence together .**

نظام نحوی : قواعدی است که معنای جمله ها را با صورتی که آنها بیان می شوند مرتبط می کند

**۲۴- Syntactic systems : The rules which relate the sentence with its actual meaning .**

روابط نحوی : توجیهی است که اصول کلی روابط میان کلمه ها در ساخت جمله ها را ارائه می دهد

**۲۵- Syntactic relations : An explanation which represents the principal interrelation of the words to construct sentences .**

قواعد گشتاری : مجموعه اصول نحوی هستند که با تاثیر بر ژرف ساخت های پایه آنها را به روساخت های واقعی تبدیل می کنند . وظیفه ی گشتارها تبدیل یک جمله به جمله ای دیگر نیست بلکه آنها یک ساخت را به ساختی دیگر تبدیل می کنند . این اصول به گشتار نیز شهرت دارند

**۲۶- Transformational rules : A set of syntactic principles which influence the deep structure to produce the surface structure . Transformational rules are not to create new sentences , instead they convert a sentence to other forms .**

انواع گشتار ها : پر وقوع ترین انواع گشتارها عبارتند از

## ۲V- Types of transformations :

الف- گشتار جا به جایی ادات : عملکرد این گشتار جابه جا کردن جزء اضافه ی فعل های ترکیبی برای قرار دادن گروه اسمی بین فعل و جزء اضافه ی آن است

**A. Particle movement transformation :** It moves the noun phrase to insert it between the verb and its particle .

Example : \- She gave up her claims.

S : NP , VP

NP: N----- (pronoun) She

VP: V\*.....NP ( V\* : V , Particle .....NP : Poss Adj , Noun)

gave up her claims

۲- She gave her claims up .

S : NP , VP

..... VP: V\* .....NP ( V , NP: poss. N , Particle )

gave her claims up

ب - گشتار امری : این گشتار فاعل جمله ی امری و فعل کمکی همراه آن را حذف می کند

**B- Imperative transformation :** It is the syntactical principle to delete the subject along with the auxiliary in an imperative sentence .

Example : Open the window .

Deep Structure : ( You will open the window. )

S : NP , Modal Auxillary , VP

NP.....N (pronoun) ---- You

Modal Auxillary : will

VP : V .... open , NP : article : the , Noun : window

Surface Structure : Open the window .

NP : ♦

Modal Auxillary : ♦

VP : V , NP.... article , N

Open the window

ج- گشتار حذف گروه اسمی یکسان : عملکرد این گشتار حذف سازه های اسمی یکسان موجود در ژرف ساخت جمله است

C- Equi NP deletion transformation : It is the transformation to delete the equivalent constituents existing in the deep structure .

Example : Deep Structure : John expects (John) to win the game.

روساخت پس از کاربرد گشتار حذف گروه اسمی یکسان و گشتار درج to:

Surface Structure : John expects to win the game .

S : NP , VP

NP ..... N : John

VP : V , P\*

expects

P\* : PP , NP

PP : P ..... NP (V.) , NP : art ..... N

to win the game

\* اما در صورتیکه دو گروه اسمی یکسان نباشند حذف هیچیک از سازه های اسمی امکان پذیر نیست

However if the two noun phrases are not equal, the deletion of neither of them is possible.

Example : John expects Joe to win the game.

Deep Structure : John expects that Joe wins the game.

Surface Structure : John expects Joe to win the game.

S : NP , VP

John expects Joe to win the game

NP : N

John

VP : V , N\*

expects Joe to win the game

N\* : N

Joe

P\* : PP , NP

to win the game

PP: P , NP : N(V.)

to win

NP : art , N

the game

د- گشتار کاربرد ضمیر: گشتاری که ضمیر متناسب با گروه اسمی راجایگزین گروه اسمی مربوط به آن میکند

**D- Pronominalization transformation : The transformation which replaces the proper pronoun in the place of the respected noun .**

**Example : Deep Structure :Jim came in and Jim had a bag in his hand**

**Surface Structure : Jim came in, he had a bag in his hand.**

S : S\ and(,) S̄

NP , VP ; NP , VP

S\ : NP .... N , VP : (V).... Prep

Jim came in

S̄ : NP ....N(pron) , VP: V....NP ...art N , PP .. P , NP : poss , N

he had a bag in his hand

ه-گشتار انعكاسي : عملكرد اين گشتار تبديل ضمماير مفعولي به ضمماير انعكاسي در آن دسته از گروه هاي اسمي است كه در يك جمله به شكل يكسان نقش فاعلي و مفعولي دارند

**E- Reflexivization transformation : The syntactic principle which inserts a reflexive pronoun in the sentences in which the subject and the object are one .**

**Example : Deep Structure : We see we in the mirror .**

**Surface Structure : We see ourselves in the mirror .**

**S : NP , VP**

**NP...N(pron) , VP...V , NP...N(ref. pron) , PP...P , NP...art , N**

**We see ourselves in the mirror**

و. گشتار حذف It

اين گشتار

it

را وقتي كه بين فعل ويك جمله واره واقع شود حذف مي كند

**F- " It " deletion transformation : The transformation which deletes "it" when inserted between a verb and a clause .**

**Example : Deep Structure : We know it he works in that company .**

**Surface Structure : We know he works in that company .**

**S : NP , VP**

**NP : N(pron) , VP : V , S\***

**We know it he works in that company**

**S\* : it(◊) , S**

**he works in that company**

**S : NP : N(pron) , VP : V , PP : P , NP: demonstrative , N**

**he works in that company**

ز- گشتار درج

that

این گشتار کلمه ی :

That

را به ابتدای جمله ی درونه گیری شده اضافه می کند

G- " That " insertion transformation : The syntactic principle which inserts "that" at the very beginning of an embedded sentence .

Example : We guess that they have bought a car .

S : NP , VP

NP : N(pronoun) : We

VP : V , S\*

guess that they have bought a car

S\* : complementizer

that

S : NP : N, VP ..... ( V\*....aux , past participle , NP(art....Noun)

they have bought a car

ح- گشتار انتقال به پایان جمله : این گشتار جمله ی متمم درونه گیری شده را به انتهای جمله ای که در آن درونه گیری شده است می برد

H- Extraposition transformation : The transformation which moves the embedded complement sentence to the very end of the sentence which it itself is embedded in .

Example : It surprised me that he answered the question.

روساخت پس از کاربرد گشتار حذف it

That he answered the question surprised me .

S : NP , VP  
 NP : S\* , surprised me

That he answered the question

S\* : complementizer , S : NP (N(pron) , VP: V , NP : art N

That he answered the question

VP : V , NP: N(pron)

surprised me

ط گشتار موصولي : عملکرد این گشتار جایگزینی یک ضمیر موصولی مناسب به جای گروه اسمی جمله ی درونه گیری شده است

I – Relativization transformation : The syntactic principle to replace a proper relative pronoun for the noun phrase of the embedded sentence .

Examples :

Deep Structure : The man the man is sitting on the bench works there.

Surface Structure : The man who is sitting on the bench works there.

S : NP , VP  
 The man who is sitting on the bench works there .

NP : art , N , S\*  
 The man who is sitting on the bench

S\* : NP: N(relative), VP: V\*:aux , pres.participle, PP: P, NP : art. , N  
 who is sitting on the bench

VP : V , adverb  
 works there

Deep Structure : The man I visited the man works there.

روساخت پس از کاربرد گشتار ضمیر موصولی وگشتار انتقال ضمیر موصولی به ابتدای جمله واره

Surface Structure : The man whom I visited works there.

S : NP , VP

The man whom I visited works there .

NP : art , N , S\* : (NP<sub>T</sub>)relative NP: N(pron) VP : V

The man whom I visited

VP : V , adverb

works here

ی = گشتار حذف موصول : عملکرد این گشتار حذف ضمیر موصولی مفعولی و همچنین ضمیر

موصولی فاعلی در صورت همراهی با فعل

be

و حذف آن در جمله های درونه گیری شده است

J - Relative reduction transformation : The syntactic principle which deletes objective relative pronoun or subjective relative pronoun along with "be" in relative clauses .

Examples:

The woman whom you saw likes flowers.

پس از کاربرد گشتار حذف ضمیر موصولی

The woman you saw likes flowers.

S : NP , VP

The man you saw likes flowers .

NP : art , N , S\* : NP : N(pron) , VP : V VP : V , NP : N

The man you saw likes flowers

The man who is sitting on the bench works there .

پس از کاربرد گشتار حذف ضمیر موصولی

The man sitting on the bench works there .



S : NP , VP

The man sitting on the bench works there .

NP : art , N , pres.part. , PP : P , NP : art . N VP : V adverb

The man sitting on the bench works there

The man who was seen in the park works here.

پس از کاربرد گشتار حذف ضمیر موصولی

The man seen in the park works here.

S : NP , VP

The man seen in the park works here.

NP : art , N , past part , PP : P NP : art , N , VP : V , adverb

The man seen in the park works here

The cat which is on the wall is asleep.

پس از کاربرد گشتار حذف ضمیر موصولی

The cat on the wall is asleep.

S : NP , VP

The cat on the wall is asleep .

NP : art , N , PP : P , NP : art , N VP : V , Adj

The cat on the wall is asleep

م- گشتار جا به جایی صفت : عملکرد این گشتار انتقال صفت بر جای مانده از عبارت های موصولی کاهش یافته در سطح یک صفت- به ما قبل اسم است

K- Adjective inversion transformation : The transformation which moves the adjective remained out of the adjective clause to the place prior to the noun .

**Surface Structure : The nice picture is on the wall**

**Deep Structure : The picture is on the wall . The picture is nice**

کاربرد گشتار ضمیر موصولی و به دست آمدن سطح اول روساخت

**The picture which is nice is on the wall**

کاربرد گشتار حذف ضمیر موصولی و به دست آمدن سازه موصولی کاهش یافته

**The picture nice is on the wall**

کاربرد گشتار جابجایی صفت باقی مانده از سازه موصولی کاهش یافته و بدست آمدن روساخت پایانی

**The nice picture is on the wall**

**S : NP , VP**

**NP: art , adj , N , VP: V , PP: P , NP: art , N**

**The nice picture is on the wall**

ن- گشتار مجهول ساز : عملکرد این گشتار تغییر ترتیب و آرایش و ارتباط گروه های اسمی در جمله های معلوم است که طی فرایندی خاص جمله های مجهول را تولید می کند

**L – Passive transformation : The syntactic principle which changes the appearance of the active sentence along with the relationship of the noun phrases in it to produce passive sentences .**

**Surface Structure : The thief was recognized by the man .**

**Deep Structure : The man recognized the thief .**

انتقال مفعول به ابتدای جمله

**The thief**

صرف be متناسب با زمان فعل جمله

**The thief was**

کاربرد صفت مفعولی

**The thief was recognized**

کاربرد عامل انجام فعل در سازه متممی

**Surface Structure : The thief was recognized by the man .**

عملکرد گشتارها در بازگویی : بازگویی عبارت است از تفسیر یک جمله با روساخت های مختلف . هر جمله به جمله ای دیگر که با آن دارای ژرف ساخت یکسان باشد قابل تفسیر خواهد بود . تفاوت دروساخت جمله های بازگویی شده محصول تاثیر گشتارها بر ژرف ساخت است.مانندجمله های مجهول

**۲۸- Interpretation :** The presentation of various sentences which have one same deep structure . Each sentence can be interpreted through other sentences which have the same deep structure . Differentiation in the surface structures of the interpreted sentences is the result of the application of various transformations . (eg. passive sentences)

عملکرد گشتارها در ابهام : ابهام نمایه ای است از یک روساخت واحد که ژرف ساخت هایی متفاوت دارد . در ابهام گشتارها بر ژرف ساخت هایی متفاوت اعمال می شوند و نتیجه ی آن روساختی یکسان است که معانی مختلفی را ارائه می دهد. هر جمله مبهم به تعداد معانی خود ژرف ساخت دارد

**۲۹- Ambiguity :** The unique representation of the surface structure of sentences with different deep structures . Here the transformers are applied to various deep structures , but the result is one unique surface structure representing different meanings . Each ambiguous sentence has the same number of deep structures as the representation of its meanings .

Example : Careless drivers and passengers can be dangerous .

S\ : Careless drivers and careless passengers can be dangerous .

S۲ : Careless drivers and passengers can be dangerous .

S\ : S: NP , Modal , VP

NP : NP conjunction NP

NP: NP : adj , N conjunction NP : adj , N

Careless drivers and careless passengers

Modal : can

VP : V , Adj

be dangerous

S۲ : S : NP , Modal , VP

NP: NP conjunction NP

NP: adj , N conjunction N

Careless drivers and passengers

Modal : can

VP : V , Adj

be dangerous

پیوسته سازی : عبارت است از فرایند تولید جمله ای جدید به روش متصل کردن دو یا چند سازه ی هم نوع به وسیله ی حرف ربط

۳۰- Cojoining : The process to produce new sentences via joining two or several parts of the same part of speech by means of conjunctions .

Example :

Deep Structure : Joe works here and Alice works here .

Surface Structure : Joe and Alice work here .

S : NP , VP

NP : NP: N conj NP: N , VP: V , adverb

Joe and Alice work here .

درونه گیری : فرایندی است که طی آن یک جمله درون جمله ای دیگر گنجانده می شود

۳۱- Embedding : The process of enveloping a sentence within another sentence .

انواع جمله های درونه گیری شده

۳۲- Types of embedded sentences :

الف- جمله های متممی : جمله هایی هستند که به عنوان بخشی از یک گروه اسمی تولید می شوند و معمولاً در آغاز آنها  
that

قرار می گیرد

A- Complement sentences : The type of sentences initialized with "that" which serve as a part of a noun phrase .

Example : Jack thinks that Joe took the bag .

S: NP , VP

NP: N , VP: V , S\*

Jack guesses

S\*: Complementizer , S: NP: N VP: V , NP: art , N

that Joe took the bag

ب-جمله واره هاي موصولي : شبيه به جمله هاي دروني گيري شده هستند كه بخشي از يك گروه اسمي به شمار آمده و پس از گروه اسمي قرار مي گيرند با اين تفاوت كه معمولاً با يك ضمير موصولي شروع مي شوند . اين جمله واره ها در رساخت خود داراي يك اسم واقعي در مقام فاعل و يا مفعول نيستند

**B-Relative clauses: Clauses initialized with a relative pronoun to serve as a part of the noun phrase. Standing after the noun phrase , they do not have a real noun as a subject or an object in their surface structure .**

Example : Jim has a car which is old.

S: NP , VP

NP: N , VP: V , NP : art , N ,

Jim has a car

S\* : NP : N (relative pronoun) , VP: V , adj

which is old .

معنا شناسي

. تعريف : معنا شناسي عبارت است از مطالعه ي مستقيم معنای زباني

اين حوزه خود به دو زير بخش معنا شناسي واژگاني و معنا شناسي جمله اي تقسيم مي شود

۲۵- Definition : Semantics is the direct study of sentence actual meaning . This field is categorized into two separate subdivisions : " Lexical Semantics " and " Sentence Semantics "

مختصه هاي معنایي : عناصر منحصر به فرد معنایي هستند که وقتی همه با همدیگر ترکیب شوند معنای واژه را به وجود می آورند

مثال - درخت : گیاه + ریشه + تنه بلند + شاخه + شاخسار + برگ

**۳۴- Semantic features : Unique semantic elements when combined together create the meaning of the word .**

**Example :**

**tree : plant + root + bark + branch + twig + leaf**

معنا شناسی تعبیری : در این رویکرد از معنا شناسی اعتقاد بر این است که معنای جمله به کمک قواعد معنایی از طریق تعبیر ساختاری جمله ها و همچنین مقولات واژگانی دخیل در آنها امکان پذیر است

مثال : بهرام شیر است

**۳۵- Interpretive semantics : An approach through which the meaning of a sentence is estimated according to the structural rules and structural interpretation of the sentences as well as the meaning of the words .**

**Example : Bahram is a lion .**

کاربرد شناسی : شاخه ای از معنا شناسی است که نه تنها معنای دقیق و تحت اللفظی کلمه ها و جمله ها را در بر می گیرد بلکه آن جنبه هایی از معنا که از توانش زیبایی - نیت متکلم - دانش مشترک متکلم و شنونده - انتظارات طرفین دخیل در صحبت و نیز مسائلی که گفته های زیبایی را مربوط به بافتی می کنند که در آنها گفته های زیبایی صورت می گیرد را شامل می شود

**۳۹- Pragmatics : A branch of semantics dealing with both the denotative and connotative meanings of words . It focuses on the language competence along with the texture in which the speech takes place .**

کنش های کلامی : این کنش ها عبارتند از گفتارهای عینی و ملموس

مثال : ساعت چند است ؟

**۴۰- Speech acts : This term introduces the acts which take place as concrete ones in speech .**

**Example : What time is it ?**

توان غیر لفظی : این اصطلاح دلالت بر هدف ارتباطی گوینده در تولید یک پاره ی گفتار دارد که از لحاظ نیت و قصد گوینده و نه از لحاظ معنای صریح زبانی یک جمله تعریف می شود

مثال : ساعت خدمتتان هست ؟ ( ساعت چند است ؟ )

۴۱- Illocutionary force : This term deals with the intention of the speaker with the piece of speech he/she says . The meaning is not directly taken out of the meaning of the words or the sentence itself but is taken out of his intention .

Example : Have you got a watch ? ( What time is it ? )

اصول محاوره ای : اصولی هستند که طرفین گفتگو در هنگام صحبت آنها رارعايت می کنند . این اصول در بر گیرنده ی موارد زیر هستند

۴۲- Conversational principles : The principles that both sides of speech follow . These principles include :

الف- گوینده از خود صمیمیت نشان داده و حقیقت را خواهد گفت

A- The one who speaks proves sincerity and speaks truthfully .

ب- چیزی که گفته می شود باید مربوط به موضوع و موقعیت و رابطه ی بین طرفین درگیر در گفتگو باشد

B- The subject being developed should be relevant to the topic, along with the situation and the sides engaged in the conversation .

ج- میزان مناسبی از اطلاعات مستقیم منتقل شود نه کمتر و نه بیشتر از آنچه که برای برقراری ارتباط لازم است

C- A proper amount of direct information , necessary for the conversation should be transmitted .

پیش فرض ( پیش انگاری ) : جنبه ای از معناست که اطلاعات پیش زمینه ای مربوط به موضوع مورد محاوره را در بر گرفته و طرفین گفتگو به شکل خود آگاهانه و ناخود آگاهانه از آن اطلاع دارند

۴۳- Presupposition : The aspect of meaning including the previous information about the topic of the conversation of which both the sides engaged in conversation consciously or unconsciously know about .

معنا شناسی از دیدگاه زبان‌شناسی زایشی : در معنا شناسی زایشی - فارغ از ساخت نحوی - یک دستور زبان توصیفی با ژرف ساختی شروع می شود که معنایی و کاربردی است . این ژرف ساخت شامل ترکیباتی از مختصات معنایی و روابط معنایی و افعال اجرایی و پیش فرض هاست . در این دیدگاه همه ی معانی در ژرف ساخت ( که ساخت منطقی [logical structure]

نیز نامیده می شود ) وجود داشته و گشتار هاهرگز منجر به تغییرات معنایی یک جمله نمی شوند

**۴۴- Semantics in Generative Approach : In Generative linguistics , regardless of syntactic structure, grammar focuses on the deep ( or logical ) structure which is both semantical and pragmatical . In this approach ,deep structure includes a combination of semantic features ,semantic relations operative verbs and presuppositions .Here the meaning of the sentence as a whole stands in deep ( logical) structure and the transformations never cause a change in the meaning of a sentence .**

همگانی های زبانی : خصوصیات مشترک و عمومی که همه ی زبان های بشری از آنها برخوردار هستند و در تمامی زبان های بشری تکرار می شوند همگانی های زبانی ( جهانی های زبانی ) نامیده می شوند

**۴۵-Language universals :The common features shared by all human languages which occur in all languages repeatedly .**

انواع همگانی های زبانی عبارتند از

**۴۶- Types of language universalities :**

الف- آفرینش انسان ها با استعداد ذاتی برای یادگیری زبان

**A- All human beings have been created with a mental gift to learn languages .**

ب- تمایز میان ژرف ساخت و روساخت جمله ها

**B- Difference between deep structure and surface structure of sentences .**



ج- مجموعه ي مختصات آوايي : برخي از واحدهاي آوايي در همه ي زبان ها وجود دارند- علاوه بر اين توليد همه ي اصوات نتيجه ي فعاليت هاي مجراي گفتار در بشر هستند

**C- Phonetic features : A number of phonetic features exist in all languages . Moreover , the articulation of all sounds is the result of man's vocal operations .**

د-مجموعه ي قواعد واجي که نماهاي واجي و آوايي را به هم مربوط مي سازند . (مانند قواعد همگون سازي و ناهمگون سازي)

**D- Phonemic rules which interrelate the phonemic symbols to phonetic ones . ( eg . assimilation and dissimilation rules )**

ه- محدوديت هاي همگاني در مورد انواع توالي هاي صوتي

**E- Universal restrictions in various types of consonant / vowel sequences .**

و- همه ي زبان هاي بشري داراي ويژه گي هاي ابهام و تفسير و همچنين فرايندهاي ساخت جمله هاي امري و سوالی و منفي و مثبت و خبري هستند

**F- All human languages have the features of interpretation , paraphrase and ambiguity as well as the structural rules to make imperative , interrogative , negative and positive sentences**

ز- در همه ي زبان ها کلمه ها به صورت طبقه هايي مانند اسم و فعل و صفت و غيره دسته بندي مي شوند و جمله ها را همواره مي توان تحت تجزيه و تحليل سازه اي قرار داد

**G- In all languages , words are categorized as nouns , verbs , adjectives , etc . and the sentences can go under structural analysis .**

ح- گشتاري در هيچ زباني وجود ندارد که آخرين کلمه در هر جمله يا سومين کلمه در جمله هاي سوالی را حذف کند

**H- In none of the languages there are any transformations to omit the last word in a sentence or to omit the third word in an interrogative sentence .**

ط- همه ي زبان ها داراي قواعد يکساني براي زایش ژرف ساخت ها هستند - به بيان ديگر مجموعه اي از قواعد ساخت سازه اي وجود دارد براي همه ي زبان هاي بشري صدق مي کند

**I- All languages follow the same rules to generate deep structures , in other words one same structural rule category is followed by all languages to generate deep structures .**

### فراگيري زبان مادري

نمايه هاي زباني کودک در مراحل مختلف عبارتند از

**۴۷- Levels of language representation in an infant are :**

الف- مرحله ي غن و غون : اصوات توليد شده توسط کودک در اين مرحله صرفاً " در راستاي عکس العمل او نسبت به محيط اطراف ارزيابي شده و هيچ اعتبار زباني براي آنها وجود ندارد . دوره ي زماني اين مرحله معمولاً سه ماه است

**A- Cooing : The sounds produced by the infant in this stage are evaluated as reflections against the environment merely with no language credit . The period usually lasts for nearly three months.**

ب - مرحله ي ورور کردن : اصوات توليد شده توسط کودک در اين مرحله نيز همانند مرحله ي غن و غون فاقد اعتبار زباني هستند . اين اصوات صرفاً " جهت تمرين کودک بر کنترل اندام گفتاري خود توليد شده و دوره ي توليد آنها معمولاً تا سن يک سالگي ادامه پيدا مي کند . در اواخر اين دوره کودکان معمولاً " الگو هاي اصلي زباني خود را فرا مي گيرند

**B- Babbling : The sounds produced by the infant in this stage,as for the cooing stage , are out of any language validity .The sounds are considered to be produced as a means to practice over the domination of vocal articulation . The period usually lasts up to the age of one . At the end of this period , the infant ordinarily becomes familiar with his / her language patterns**

ج- مرحله ي تک واژه اي : در اين مرحله که معمولاً " از سن يک سالگي آغاز مي شود کودک يک منظور ساده اما کامل را با يک کلمه ادا مي کند . بسط معنایي يک کلمه براي ناميدن چيزهايي که داراي خصوصيات نسبتاً " مشابه با

کلمه ي اصلي هستند در این مرحله صورت مي گیرد. کودک در این مرحله به شکل تدريجي مشغول فراگيري قواعد واجي و معنایي و جنبه هاي مقدماتي نحو زبان خود نیز هست

[a] اولین واکه ي فرا گرفته شده توسط کودک در این مرحله و

[m] , [b] , [p] اولین همخوان های فراگرفته شده توسط او است که همخوان هاي غير پيوسته ي دو لبی هستند

**C- Holophrastic stage :** This stage usually begins at the end of the first age in which the infant expresses a simple mean in one word . Overgeneralization of one word to call for other objects having the same features takes place in this stage . Here , the infant gradually learns phonemic rules along with the semantic and simple syntactic features of his / her language . The first vowel learned by the infant in this stage is [a] and the first consonants are the bilabials [b] , [m] and [p].

د- مرحله ي تلگرافي : در این مرحله که معمولاً "حوالی سن سه سالگی آغاز مي شود کودک براي ابراز احساسات و نیز بیان منظور خود بدون استفاده از تکواژهاي دستوري همچون حروف تعريف وحروف اضافه اقدام به چينش واژگان ساده در کنار هم مي کند.

ترکیب این چينش در ابتدا دو واژگاني و سپس چند واژگاني بدون حضور حروف تعريف و حروف اضافه و وندهاست . به همین علت این مرحله را مرحله ي تلگرافي مي نامند .) در این میان واژگاني که مکرراً در ترکیب ها دیده مي شوند را واژگان محوري و واژگاني که به شکل غير مکرر با واژگان محوري همراه مي شوند را واژگان دسته ي آزاد مي نامند . جمله هاي ساخته شده در این مرحله عمدتاً " اسم و فعل و صفت ( و گاهي اوقات نیز تکواژهاي قاموسي که مختصه هاي معنایي بسيار مهم براي برقراري ارتباط را در خود دارند ) را شامل مي شوند

**D- Telegraphic stage :** This stage normally begins at the age of three in which the infant, without the insertion of any articles or prepositions, starts to put the words together The setting initially consists of two words , later three, with the insertion of no articles , prepositions and affixes . The settings consist of repetitive words , occurring in various settings – titled core words , and words coming with core words – titled free words . The sentences made in this stage mainly consist of nouns , verbs and adjectives ( and sometimes lexicals which consist of very important semantic features for communication).

ه- مرحله ي نحوي : نخستين تکواژهاي دستوري که در این مرحله توسط کودکی که در محیط زبان انگلیسي قرار دارد فرا گرفته مي شوند پسوند هاي تصریفي هستند که اولین آنها تکواژ مربوط به زمان حال استمراري و پس از آن تکواژهاي

جمع است . پس از آن معمولاً " ابتدا شکل هاي زمان گذشته و به دنبال آن شکل هاي ملکی دیده مي شوند . در نهایت پسوند فعلی زمان حال ساده براي سوم شخص مفرد دیده مي شود . پس از فراگيري وندهاي تصریفي بسيار زایا و نظاممند کودک شروع به فراگيري آن دسته از تکواژ هاي دستوري مي کند که از لحاظ نحوي به تکواژ هاي نحوي بسيار نزدیک هستند در این مرحله کاربرد تکواژهاي دستوري همچون حروف تعريف و حروف اضافه پدیدار مي شود

و معمولاً "کودکان تا سن پنج سالگی بر این مرحله ( کاربرد تکواژهای دستوری ) کاملاً تسلط پیدا می کنند . پس از این مرحله وندهای اشتقاقی فرا گرفته می شوند . مرحله ی فراگیری جمله های مجهول بسیار کند بوده و معمولاً تا سن هفت سالگی ( سن مدرسه ) به طول می انجامد

**E- Syntactic stage :** The first grammatical morphemes learned by a child in this stage in an English language environment are the inflectional morphemes, the first of which are present continuous tense“ ing “and plural maker “s“. Thereafter comes the past form of verbs along with possessive forms . Ultimately comes third person singular suffix “s”for the verbs in simple present . Having learnt the productive inflectional suffixes , the child starts to learn the grammatical morphemes which in a syntactic point of view are close to syntactic morphemes . In this stage , the use of grammatical morphemes ,such as articles and prepositions become popular and up to the age of five, the child becomes experienced with them .The process of “ passive voice “ which succeeds this stage usually goes on slowly and lasts up to the age of primary school .

و- ادای جمله های پرسشی : در مرحله ی تلگرافی ساخت جمله های پرسشی توسط کودک به شرح زیر است

**F- Question sentences :** In the telegraphic stage , formation of interrogative sentences is as following :

سوال های ساده در ابتدا با بیان جمله ی خبری همراه با آهنگ خیزان درانتهای جمله بیان می شوند

**I- Simple questions** are made through simple setting of words with a rising intonation at the end .

سوال های استفهامی با درج کلمه ی پرسشی در ابتدای جمله ی خبری ادا شده و جمله با آهنگ خیزان ادا می شود

**II- Wh questions** are made with the insertion of the wh word at the very beginning of the simple sentence with a rising intonation .

ز- ادای جمله های منفی : در مرحله ی تلگرافی ساخت جمله های منفی شامل مراحل زیر است

**G- Negative sentences :** In the telegraphic stage , formation of negative sentences is as the following:

در ابتدای جمله ی خبری واقع می شود (no) ادات نفی

I- Negative maker “ no “ stands at the very beginning of the sentence .

قبل از فعل اصلی واقع می شود تا آن را نفی کند (no) ادات نفی

II- Negative maker “ no “ stands just before the verb .

سبک های زبان

سبک : گونه های کاربرد زبان که وابسته به موقعیت های مختلف هستند سبک خوانده می شوند موضوع سبک در عملکرد زبان موضوع مربوط به متناسب بودن در یک وضعیت خاص است . انواع سبک های زبانی عبارتند از

۴۸- Style : Types of a language applied in various situations are termed as styles which directly depend on the particular situation in which the language is used . Styles are categorized as the followings :

الف- سبک عامیانه : کلمه های مورد استفاده در این سبک مجموعه واژگانی است که صرفاً " توسط گروهی مشخص از جامعه به کار گرفته و تنها همان گروه از جامعه آنها را درک می کنند . این کلمه ها اساساً " مورد احترام نبوده و تنها توسط قشری محدود از جامعه که از محبوبیت کمتری نسبت به اقشار دیگر جامعه برخوردارند به کار گرفته می شوند . از دیدگاه واژه شناسی در زبان انگلیسی پیدایش واژگان در این سبک از طریق گسترش معنایی و تخصیص معنایی و کوتاه سازی و همچنین خلق کلمه ها از از تکواژهایی که عمدتاً " ریشه ی آلمانی دارند صورت می گیرد . کاربرد مقطعی این سبک از گفتار در اقشار دیگر جامعه معمولاً " به هنگام محاورات به اصطلاح " خودمانی " است . استفاده از این سبک معمولاً " فقط در بین افرادی مناسب است که همه ی آنها نیز همان زبان عامیانه خاص را به کار می برند

A- Slang style : The words used in this style belong to the category which a particular group of the society use . These words are grasped by that group only . These words are not normally respected and are basically used by those who are not of honor in the society . According to English morphology , formation of words in this style is due to the clipping and meaning extention as well as the creation of new words out of the words with German etymology . This style is used specially when the sides engaged feel sincere friendliness .

ب- سبک رسمی : کلمه های مورد استفاده در این سبک که با احتیاطی خاص انتخاب و به کار گرفته می شوند عموماً " از نوع کلیشه ای بوده و منظور را در قالبی " غیر خودمآنی " انتقال می دهند . این سبک معمولاً " هنگامی به کار می رود که طرفین گفتگو خیلی با یکدیگر آشنا نباشند - و یا تمایل و اشتیاق زیادی برای نشان دادن احترام به یکدیگر از خود نشان بدهند

**B- Formal style: The words used in this style are quite formal and are selected very carefully to indicate a formal conversation .This style is normally used either when the sides engaged are not quite familiar with each other or intend to prove respect to each other .**

ج- سبک محاوره ای : واژگان به کار گرفته شده در این سطح واژگانی بسیار متداول بوده و از نظر رسمیت در سطح بسیار پایین تری نسبت به سبک رسمی قرار می گیرند . کاربرد این سبک هنگامی مناسب است که طرفین گفتگو بخواهند دوستی و یا " خودمآنی " بودن خود را به شکلی به هنجار نشان دهند

**C- Conversational style : The words used in this style are common words and are not considered as formal ones .The use of this style is when the sides of conversation intend to prove friendliness in a logical manner .**

د- اصطلاحات حرفه ای : مجموعه واژگان خاصی که مورد استفاده ی اشخاص برجسته اجتماعی قرار می گیرد اصطلاحات حرفه ای خوانده می شود . وقوع کاربرد این اصطلاحات عموماً "درمحاورات قشری از جامعه است که مورد تحسین و ستایش دیگر اقشار قرار دارد. ریشه ی اکثر واژگان به کار رفته در این اصطلاحات لاتین و یونانی است .

**D- Professional style : The words used in this style are respected ones which are used by honored people . Etymologically , these words which are usually long ones ,originate in Greek and Latin expressions .**

ه- وقاحت و ابتدال : این اصطلاح دلالت بر کلمه هایی دارد که کاربرد آنها تخطی از اصول اخلاقی اجتماع را موجب شده و نزاکت را زیر سوال ببرد . کاربرد این سبک در سطوح کوچکی از قشری از جامعه است که کاربرد سبک عامیانه در آنها رایج است

**E- Dark style : The words in this style which are quite restricted stand in the forbidden group the use of which touches the feelings of the society . The use of this style may be common in that group of the society in which the use of slang style is popular .**

موقعیت ها و سبک ها : حد اقل سه جنبه در هر موقعیتی وجود دارد که هنگام صحبت کردن در مورد متناسب بودن یک گفتار در موقعیتی باید مد نظر قرار گیرد

**۴۹- Styles and situations: Any situation includes at least three aspects to which one should pay attention while speaking :**

الف - قبل از گفتار در نظر گرفتن بافت موقعیت حائز اهمیت است

**A- Paying attention to the context .**

ب - در نظر گرفتن ارتباطات بین مردمی که در آن موقعیت بخصوص دخیل هستند اهمیت بسزایی دارد

**B- Paying attention to the relation of the people engaged in that particular situation .**

ج - آنچه که بر جنبه های بافت موقعیت اثر می گذارد وسیله ی بیان است چه به شکل گفتار و چه به شکل نوشتار

**C- Paying attention to the means of conversation either oral or written as an aspect which influences the language context .**

زبان و مغز

بر اساس یافته های متخصصین عصب شناس و همچنین پژوهش های انجام شده توسط روانشناسان در حوزه ی شناخت - مرکز تمامی فعالیت های زبانی اعم از فراگیری- پردازش و به کارگیری زبان مغز انسان است . سطح مغز انسان که از دو نیمکره ی چپ و راست تشکیل شده است پوشیده از لایه ای است که به سربرال کورتکس یا قشرخارجی شهرت دارد . این لایه محل استقرار حدود دومیلیارد سلول خاکستری است که قابلیت بازسازی نداشته و به کمک پلی میان دو نیمکره ی مغز در محلی به نام سیناپسیس با یکدیگر ارتباط دارند . پژوهشگران براین باورند که جایگاه اصلی مربوط به زبان عموماً در نیمکره ی چپ مغز و در ناحیه هایی به نام بروکا- ورنیکه و موتور قرار دارد

According to the studies done by neurologists and the researches done by the psychologists in the field of cognition , all the language activities , including acquisition , process and productivity are located in the brain . Man's brain ,which consists of two homospheres , right and left , is covered by cerebral cortex which contains about a two billion gray cells.These cells are not reconstructable and are connected as a whole in the synopsis where the two homospheres link . Researches state that the major location of man's language normally locates in the left homosphere in the areas termmed Broka , Vernike and Motor .

ناحیه ی بروکا : این ناحیه در جلوی مغز انسان قرار دارد و مسئول انجام فعالیت های مربوط به تولید زبان است .  
اختلال در این ناحیه توانایی صحبت کردن و نگارش در فرد را مختل می سازد

**Broka Area :** This area is located in the front part of the brain and controls the production activity of language . Any damage to this area leads to the aphasia which disables one to write or speak the language .

ناحیه ی ورنیکه : این ناحیه در پشت مغز قرار داشته و مسئولیت درک زبان را بر عهده دارد . هرگونه آسیب در این ناحیه منجر به اختلال در درک زبان شده اما تاثیری بر توانایی گفتاری و نوشتاری فرد نمی گذارد

**Vernike Area :** This area is located in the back of the brain and controls the language apprehension. Any damage to this area leads to the aphasia which disables one to apprehend sentences but does not influence his / her ability in writing or speaking .

ناحیه ی موتور : این ناحیه از مغز مسئول کنترل تمامی فعالیت های فیزیکی – زبانی انسان است

**Motor Area :** This area controls all the physical – linguistic activities of man .